

Assessing the Alignment Between Virtual and Real Identity in Iran: Evaluating the Challenges

1. Ali Ashraf Nazari^{id}: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Abbas Tajik^{id*}: MA, Department of Public Policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran,
Iran.

*Corresponding Author's Email Address: tajikabbas76@gmail.com

Abstract:

The emergence of cyberspace as an inseparable part of daily life has posed a novel challenge to individuals' identities. The contradiction between virtual and real identity is one of the complex phenomena of the digital age, bringing extensive individual, social, and cultural consequences. This study aims to investigate this challenge and propose strategies for its management. The research adopts a meta-synthesis and comparative analysis approach to examine related studies conducted between 2010 and 2024. The sources include peer-reviewed academic articles, international regulations, and the experiences of leading countries in virtual identity management. The theoretical framework is grounded in the theories of Giddens, Tajfel, and Castells. The findings indicate that anonymity, flexibility, and multiplicity in virtual environments lead to the emergence of contradictions between real and virtual identities. These contradictions result in psychological consequences such as anxiety and reduced self-confidence, social consequences such as diminished public trust and social cohesion, and cultural consequences such as the weakening of national identity and the deepening of generational gaps. Based on comparative analysis, the experiences of Estonia, the European Union, and China reveal that integrating advanced technologies (such as blockchain and artificial intelligence), enacting comprehensive regulations like the GDPR, and enhancing public education can facilitate better management of this challenge. In the Iranian context, the development of digital identification systems, the establishment of comprehensive privacy laws, and the promotion of indigenous cultural content are recommended. Managing identity contradictions requires a multidimensional and integrative approach that encompasses technology, policymaking, and cultural education. These strategies can help mitigate the adverse effects of cyberspace on users' individual and social identities.

Keywords: virtual identity, real identity, identity contradiction, cyberspace, challenges

How to Cite: Ashraf Nazari, A., & Tajik, A. (2025). Assessing the Alignment Between Virtual and Real Identity in Iran: Evaluating the Challenges. *Management, Education and Development in Digital Age*, 2(2), 1-17.



سنجش تطابق هویت مجازی و هویت حقیقی در ایران: ارزیابی چالش‌ها

۱. علی اشرف نظری^{id}: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. عباس تاجیک^{id}: کارشناس ارشد، گروه سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: tajikabbas76@gmail.com

چکیده

ظهور فضای مجازی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره، چالشی نوین را برای هویت افراد پدید آورده است. تناقض میان هویت مجازی و هویت واقعی یکی از پدیده‌های پیچیده در عصر دیجیتال به شمار می‌رود که پیامدهای گسترده‌ای در سطوح فردی، اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. این مطالعه با هدف بررسی این چالش و ارائه راهکارهایی برای مدیریت آن انجام شده است. پژوهش حاضر از روش فراترکیب و تحلیل تطبیقی بهره گرفته و مطالعات مرتبط با این موضوع را در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بررسی کرده است. منابع مورد استفاده شامل مقالات علمی-پژوهشی، مقررات بین‌المللی، و تجربیات کشورهای پیشرو در مدیریت هویت مجازی بوده‌اند. چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظریه‌های گیدنز، تاجفل و کاستلز تنظیم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که عواملی چون ناشناس بودن، انعطاف‌پذیری و چندگانگی در محیط‌های مجازی موجب شکل‌گیری تناقض میان هویت واقعی و هویت مجازی می‌شوند. این تناقض‌ها پیامدهایی روان‌شناختی مانند اضطراب و کاهش اعتماد به نفس، پیامدهایی اجتماعی مانند کاهش اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی، و پیامدهایی فرهنگی نظیر تضعیف هویت ملی و گسترش شکاف نسلی در پی دارند. بر اساس تحلیل تطبیقی، تجارب کشورهایی مانند استونی، اتحادیه اروپا و چین نشان می‌دهد که به‌کارگیری فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی)، تدوین مقررات جامع همچون GDPR، و ارتقاء سطح آموزش عمومی می‌تواند به مدیریت مؤثرتر این چالش کمک کند. در زمینه ایران، توسعه سامانه‌های شناسایی دیجیتال، تدوین قوانین جامع حریم خصوصی، و ترویج محتوای فرهنگی بومی پیشنهاد می‌شود. مدیریت تناقض هویتی مستلزم رویکردی چندبعدی و تلفیقی است که ابعاد فناورانه، سیاست‌گذاری و فرهنگی را دربرگیرد. اجرای این راهکارها می‌تواند به کاهش آثار منفی فضای مجازی بر هویت فردی و اجتماعی کاربران ایرانی یاری رساند.

کلیدواژه‌گان: هویت مجازی، هویت واقعی، تناقض هویتی، فضای مجازی، چالش‌ها

نحوه استناددهی: نظری، علی اشرف. و تاجیک، عباس. (۱۴۰۴). سنجش تطابق هویت مجازی و هویت حقیقی در ایران: ارزیابی چالش‌ها، *آموزش و توسعه در عصر دیجیتال*، ۲(۲)، ۱-۱۷.

مقدمه

در جهان معاصر، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جهانی‌شدن شناخته می‌شوند. این ابزارها تعاملاتی گسترده و فرامرزی را ممکن ساخته‌اند و به کاربران اجازه داده‌اند تا هویت‌های متنوعی را در فضایی فراتر از محدودیت‌های زمان و مکان ارائه دهند. این پدیده، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که در حال گذار به عصر دیجیتال هستند، پیچیدگی‌های منحصر به فردی را در حوزه هویت کاربران به وجود آورده است. در فضای مجازی، افراد اغلب هویتی متفاوت از هویت واقعی خود ارائه می‌دهند که می‌تواند پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، و حتی امنیتی داشته باشد. این مطالعه با تمرکز بر بررسی ابعاد مختلف و تأثیرات ناهماهنگی میان هویت مجازی و هویت واقعی در جامعه ایران انجام شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: ناهماهنگی میان هویت مجازی و هویت واقعی در میان کاربران فضای مجازی ایران چگونه شکل می‌گیرد و چه پیامدهایی به همراه دارد؟ فرض اصلی تحقیق آن است که ویژگی‌هایی نظیر ناشناس بودن و امکان خلق هویت‌های چندگانه در فضای مجازی می‌تواند منجر به دگرگونی یا حتی فروپاشی هویت واقعی افراد شده و در نهایت بر ارزش‌ها و روابط اجتماعی آن‌ها اثر بگذارد. برای پاسخ به این مسئله، پژوهش از روش فراترکیب بهره گرفته تا یافته‌های مطالعات پیشین را تجمیع کرده و به جمع‌بندی جامعی برسد. از منظر جامعه‌شناختی، هویت فردی و اجتماعی مفاهیمی هستند که از طریق تعامل فرد با جامعه شکل می‌گیرند؛ اما فضای مجازی ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که امکان بازتعریف هویت را فراهم می‌کند. افراد ممکن است تصویری از خود ارائه دهند که الزاماً با واقعیت وجودی آن‌ها همخوانی ندارد. این وضعیت منجر به شکل‌گیری تناقض‌های هویتی شده و بحران‌های متعدد اجتماعی و فرهنگی را پدید می‌آورد. برای مثال، ناشناس بودن و چندگانگی هویت در فضای مجازی می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش داده و بستر سوءاستفاده‌های مجازی را فراهم کند. نوآوری این پژوهش در تمرکز آن بر ناهماهنگی میان هویت مجازی و واقعی در چارچوب جامعه‌شناختی ایران است؛ پژوهشی که به تحلیل تأثیرات این ناهماهنگی بر ساختارهای اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی می‌پردازد. با توجه به آنکه فضای مجازی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده، این تحقیق می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء آگاهی عمومی و شکل‌گیری سیاست‌های حمایتی ایفا کند. پژوهش با پرداختن به مسئله ناهماهنگی هویتی، در پی آن است که پاسخی جامع به این پرسش ارائه دهد که این پدیده چگونه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و چه راهکارهایی می‌تواند به کاهش اثرات منفی آن کمک کند. در نهایت، این پژوهش به درک بهتر روابط پیچیده میان هویت و فضای مجازی کمک کرده و ابزارهایی برای مدیریت مؤثرتر این پدیده ارائه می‌دهد.

چارچوب مفهومی پژوهش

این بخش به بررسی دو مفهوم اصلی، یعنی "هویت" و "هویت مجازی" می‌پردازد تا ابعاد مختلف آن‌ها روشن شود و تفسیر پژوهشگر از این مفاهیم برای ادامه بحث مشخص گردد.

هویت

هویت مفهومی چندبعدی است که در چند دهه اخیر به‌طور گسترده در علوم اجتماعی، روان‌شناسی و فلسفه مورد مطالعه قرار گرفته است. این مفهوم به درک فرد از این که «کیست» و «چه چیزی برای او معنادار است» اشاره دارد. این درک در تعامل با دیگران و در محیط‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و به‌صورت مداوم تحت‌تأثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و فناورانه قرار دارد (Giddens, 1991). در جامعه‌شناسی، معمولاً هویت به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: هویت فردی و هویت اجتماعی. هویت فردی به برداشت فرد از خود به‌عنوان موجودی منحصر به فرد و متمایز اشاره دارد. این برداشت شامل ویژگی‌ها و تجربیات شخصی‌ای است که فرد را از دیگران متمایز می‌کند. گیدنز (۱۹۹۱) معتقد است که هویت فردی متشکل از روایتی است که فرد درباره زندگی‌اش می‌سازد؛ روایتی که در گذر زمان دچار تحول می‌شود (Giddens, 1991). این روایت شامل تجربیات، خاطرات، ارزش‌ها و اهدافی است که فرد را در تعامل با محیط پیرامون تعریف می‌کنند. استوارت هال (۱۹۹۶) نیز هویت را فرایندی پویا می‌داند که در آن افراد به‌صورت مداوم خود را در پاسخ به تحولات اجتماعی و فرهنگی بازتعریف می‌کنند. او معتقد است برخلاف نگاه‌های پیشین که هویت را امری ثابت می‌دانستند، فرایند شکل‌گیری و بازسازی هویت فرآیندی

پیوسته است که در عصر جهانی شدن و تحولات فناورانه اهمیت ویژه‌ای یافته است (Hall, 1987). جنکینز (۲۰۰۴) نیز اشاره می‌کند که جامعه‌شناسان معاصر معمولاً برای اهداف تحلیلی میان هویت اجتماعی و هویت فردی تمایز قائل می‌شوند، اگرچه این دو در عمل با یکدیگر درهم‌تنیده‌اند. هویت اجتماعی به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که بر اساس آن‌ها دیگران یک فرد را به‌عنوان «آن چه هست» می‌شناسند. این ویژگی‌ها نشانگر خصایص اساسی فردی هستند و فرد را با دیگران و گروه‌هایی با ویژگی‌های مشابه مرتبط می‌سازند (Jenkins, 2004). هویت اجتماعی همچنین دارای بُعد جمعی است و تعیین می‌کند که فرد در چه زمینه‌هایی با سایر اعضای جامعه شباهت دارد. در مقابل، در حالی که هویت اجتماعی بر شباهت‌ها تأکید دارد، هویت فردی بر منحصر به فرد بودن و فردیت تأکید می‌کند. هویت فردی فرایند رشد شخصیت را شامل می‌شود که در آن هر فرد حس متمایز و معناداری از خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون می‌سازد (Giddens, 2007).

هویت مجازی

هویت مجازی به توانایی افراد در خلق، ارائه و تغییر هویت خود در محیط‌های دیجیتال اشاره دارد. این مفهوم با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و ظهور اینترنت به یکی از موضوعات مهم در علوم اجتماعی، روان‌شناسی و مطالعات ارتباطات تبدیل شده است. برخلاف هویت واقعی که از طریق تعاملات رودرو شکل می‌گیرد، هویت مجازی در فضاهای دیجیتال بازنمایی می‌شود؛ اغلب به‌صورت ناشناس یا نیمه‌ناشناس (Turkle, 1995). این بازنمایی ممکن است بازتابی از هویت واقعی فرد باشد یا با آن در تضاد قرار گیرد. هویت مجازی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از هویت واقعی متمایز می‌کند. نخستین ویژگی، ناشناس بودن است. در فضای مجازی، کاربران می‌توانند هویت واقعی خود را پنهان کرده و چهره‌ای متفاوت ارائه دهند. این امر امکان تجربه‌های جدید و آزمون نقش‌های متفاوت را فراهم می‌کند، اما در عین حال بستر سوءاستفاده و کلاهبرداری را نیز ایجاد می‌نماید (Katz & Rice, 2002). ویژگی دوم، انعطاف‌پذیری است. افراد می‌توانند در پلتفرم‌های مختلف، هویت‌های متعددی خلق کنند. برای مثال، فردی ممکن است در لینکدین خود را به‌عنوان یک حرفه‌ای معرفی کند، اما در بازی‌های آنلاین هویتی کاملاً متفاوت داشته باشد (Pempek et al., 2009). ویژگی سوم، نوعی گمنامی نسبی است که به کاربران اجازه می‌دهد نظرات و تجربیات خود را بدون ترس از قضاوت مستقیم به اشتراک بگذارند (Alharbi et al., 2021). اگرچه این امر آزادی بیشتری فراهم می‌کند، اما ممکن است به بروز رفتارهای منحرف یا ضداجتماعی نیز دامن بزند. هویت مجازی تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و تعاملات انسانی گذاشته است. در بسیاری از موارد، افراد از فضای مجازی برای بازتعریف هویت خود و جبران کمبودهای دنیای واقعی استفاده می‌کنند. به گفته تورکل (۲۰۱۱)، این فرایند ممکن است منجر به شکل‌گیری یک "خود آرمانی" شود که با هویت واقعی فرد در تعارض قرار گیرد. افزون بر این، هویت مجازی می‌تواند به ایجاد روابط اجتماعی جدید کمک کند. از طریق این هویت‌ها، کاربران قادرند با افرادی که علایق مشترک دارند ارتباط برقرار کرده و شبکه‌های اجتماعی نوینی بسازند (Turkle, 2011). این امر به‌ویژه در جوامع در حال گذار، که افراد با بحران‌های هویتی مواجه‌اند، اهمیت دارد (Castells, 2010). ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین نیز دوران جدیدی در شکل‌گیری و مدیریت هویت مجازی رقم زده است. بلاک‌چین به‌عنوان فناوری‌ای ایمن، امکان ایجاد هویت دیجیتال قابل اعتماد را فراهم می‌سازد و به حل مشکلات ناشی از ناشناس بودن و سوءاستفاده‌های هویتی کمک می‌کند (Zhao & Fan, 2018). از سوی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل داده‌های کاربران، الگوهای رفتاری آن‌ها را شناسایی کرده و خدماتی متناسب با هویت مجازی آن‌ها ارائه دهد. با این حال، این قابلیت‌ها چالش‌هایی نیز به همراه دارند؛ به‌ویژه در زمینه حفظ حریم خصوصی و امنیت داده‌ها (Binns, 2018). در مجموع، هویت مجازی به‌عنوان یکی از پدیده‌های اصلی عصر دیجیتال، اثرات مثبت و منفی بسیاری بر افراد و جوامع داشته است. این پدیده نه تنها بازتابی از تحولات فناورانه و اجتماعی است، بلکه چالش‌هایی اخلاقی، امنیتی و ارتباطی را نیز در پی دارد. مدیریت مؤثر آن نیازمند سیاست‌ها و فناوری‌های پیشرفته‌ای است که همزمان با حفظ آزادی کاربران، از سوءاستفاده‌های هویتی نیز جلوگیری کنند.

ویژگی‌های هویت مجازی

۱. ناشناس بودن: کاربران می‌توانند هویت واقعی خود را پنهان کرده و نقش‌های جدیدی را تجربه کنند.
۲. انعطاف‌پذیری: توانایی خلق و تغییر هویت‌ها در پلتفرم‌های مختلف.
۳. چندگانگی: کاربران قادرند هویت‌های متعددی متناسب با اهداف و نیازهای خود ایجاد کنند (Katz & Rice, 2002).



یکی از پیامدهای اصلی ناشی از ویژگی‌های هویت مجازی، شکل‌گیری تناقض میان هویت مجازی و هویت واقعی است. این تناقض می‌تواند منجر به بحران‌های فردی و اجتماعی شود. تورکل معتقد است که هویت مجازی به کاربران امکان می‌دهد تا "خود ایده‌آل" خود را ارائه دهند، اما این فرایند ممکن است اعتماد به نفس آن‌ها را در زندگی واقعی کاهش دهد. از جمله ابعاد اصلی چالش‌های مرتبط با هویت می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) کاهش اعتماد عمومی به واسطه ناشناس بودن و امکان جعل هویت، (۲) تهدید ارزش‌های فرهنگی در نتیجه جهانی‌شدن فضای مجازی، و (۳) افزایش افسردگی و اضطراب به دلیل فاصله میان هویت واقعی و هویت نمایشی در محیط‌های دیجیتال.

نظریه بازاندیشی هویتی گیدنز

گیدنز یکی از مفاهیمی را که در چارچوب‌های روش‌شناختی نظریه‌های معاصر علوم اجتماعی به آن تأکید می‌شود، "بازاندیشی" می‌داند. او بازاندیشی را ویژگی اصلی جامعه مدرن می‌نامد و آن را به معنای حساسیت و واکنش‌پذیری فزاینده در زمینه‌های اجتماعی و میان پژوهشگران تلقی می‌کند. این فرایند شامل بازنگری مداوم و پایان‌ناپذیر در روش‌ها و دیدگاه‌ها بر اساس اطلاعات و دانش جدید است. بازاندیشی مستقیماً تحت تأثیر تحولات زمانی و مکانی در دوره‌ها و جوامع مختلف قرار دارد. گیدنز معتقد است که همواره میان سنت و مدرنیته نوعی تقابل وجود داشته است. در جوامع سنتی پیشین، تمرکز بیشتری بر گذشته وجود داشت و احترام متقابل و وفاداری میان افراد رایج‌تر بود. در آن دوران، بازاندیشی به معنای درک موقعیتی اعمال در بافت اجتماعی تلقی می‌شد، اما در عصر مدرن، این مفهوم به بنیانی برای بازتولید نظام‌های واقعیت تبدیل شده است.

گیدنز بر این باور است که هویت در جهان مدرن از طریق فرایند بازاندیشی شکل می‌گیرد؛ فرایندی که مداوم و پویاست. افراد به‌طور مستمر تجربیات خود را بازنگری می‌کنند و از این رهگذر، هویت‌هایی متفاوت با گذشته می‌سازند. این فرایند در محیط‌های مجازی پیچیده‌تر می‌شود، جایی که ناشناس بودن و نبود محدودیت‌های اجتماعی، ساخت هویت را دشوارتر می‌سازد. گیدنز تأکید می‌کند که در نظم پسااستی، هویت فردی یک "پروژه بازاندیشانه" است که به‌صورت مداوم در حال ساخت و بازسازی است. این دیدگاه در بستر جامعه مدرن معنای ویژه‌ای می‌یابد. بازاندیشی جلوه‌ای از خرد انتقادی است که از ارکان تفکر مدرن محسوب می‌شود. در زندگی اجتماعی مدرن، بازاندیشی بدین معناست که اعمال اجتماعی به‌طور پیوسته بر اساس درک‌های به‌روز بازنگری و اصلاح می‌شوند. تنها در عصر مدرنیته است که بازاندیشی به همه جنبه‌های زندگی انسانی گسترش می‌یابد. جوهر مدرنیته صرفاً در نوآوری نهفته نیست، بلکه در پیش‌فرض بازاندیشی انتقادی نسبت به همه چیز — از جمله خود بازاندیشی — نیز نهفته است. این فرایند تحت تأثیر چهار عامل قرار دارد: نخست، قدرت که ممکن است تولید دانش را در راستای منافع گروهی مصادره کند؛ دوم، ارزش‌ها و نگرش‌ها که فاقد بنیان عقلانی‌اند و تغییرات بازاندیشانه از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ سوم، پیامدهای ناخواسته که بازاندیشی در تلاش برای کاهش آن‌هاست؛ و چهارم، چرخش دانش که به نتایج پیش‌بینی‌نشده حاصل از دانش اشاره دارد. بازاندیشی در جهان مدرن امکان جلوگیری از برخی پیامدهای اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ دانشی که به‌طور بازاندیشانه به‌کار گرفته می‌شود، به ابزار بازتولید نظام‌های نظم اجتماعی بدل می‌شود (Giddens, 2005).

نظریه هویت اجتماعی تاجفل

هویت اجتماعی بخشی از خودپنداره فردی است که از احساس تعلق به یک گروه اجتماعی نشأت می‌گیرد. نظریه هویت اجتماعی، نخستین بار توسط هانری تاجفل و جان ترنر در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ارائه شد و با هدف تبیین رفتارهای میان‌گروهی شکل گرفت. این نظریه رفتار میان‌گروهی را بر اساس درک از تفاوت‌های جایگاه گروهی، مشروعیت و پایداری آن تفاوت‌ها، و توانایی فرد برای ترک یک گروه و پیوستن به گروه دیگر پیش‌بینی می‌کند. این تبیین با کاربردهای دیگر از اصطلاح "نظریه هویت اجتماعی" که معمولاً به دیدگاه‌های کلی‌تری درباره خود اجتماعی اشاره دارد، متفاوت است. به‌زعم تاجفل، هویت اجتماعی از عضویت فرد در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود. در محیط‌های مجازی، چنین عضویتی می‌تواند به‌سرعت شکل بگیرد یا تغییر یابد، که منجر به بی‌ثباتی در هویت فردی می‌شود (Tajfel & Turner, 1979).

بزرگ‌ترین دستاورد تاجفل در روان‌شناسی، توسعه نظریه هویت اجتماعی بود. هویت اجتماعی احساسی ذهنی است که از وابستگی فرد به یک گروه نشأت می‌گیرد. در سال ۱۹۷۹، تاجفل پیشنهاد داد که گروه‌ها (مانند طبقه اجتماعی، خانواده، تیم‌های ورزشی و...) منبعی برای غرور و عزت‌نفس افراد فراهم می‌کنند. این گروه‌ها نوعی حس هویت اجتماعی به افراد می‌بخشند؛ حسی از تعلق به یک اجتماع بزرگ‌تر. این نظریه‌ها به توضیح چگونگی شکل‌گیری و تحول هویت در فضای مجازی کمک می‌کنند. برای نمونه، نظریه

بازاندیشی گیدنز توضیح می‌دهد چرا افراد در محیط‌های آنلاین به آزمون نقش‌های جدید می‌پردازند. نظریه هویت اجتماعی تاجفل بر پیوند میان عضویت گروهی و توسعه هویت‌های چندگانه در فضای مجازی تأکید دارد. نظریه کاستلز نیز نقش فضای مجازی را در تسهیل ساخت هویت‌های جدیدی که هنجارهای سنتی را به چالش می‌کشند، برجسته می‌سازد. چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه‌های معتبر گیدنز، تاجفل و کاستلز استوار است. این چارچوب به درک بهتر فرایندهای شکل‌گیری، تحول و تناقض هویتی در فضای مجازی کمک می‌کند و بستری برای تحلیل یافته‌های تحقیق فراهم می‌آورد.

فرهنگ و هویت در جامعه شبکه‌ای: نظریه کاستلز

کاستلز معتقد است که ظهور ریزپردازنده‌ها در دهه ۱۹۷۰ آغازگر عصر جامعه اطلاعاتی بود و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان را به‌طرز بنیادینی متحول کرد. او بر این باور است که در این دوره، جامعه مدنی تضعیف شده و انسجام خود را از دست داده است. این فرسایش ناشی از ناهماهنگی میان منطق قدرت در شبکه‌های جهانی و منطق ارتباطی در بسترهای فرهنگی و اجتماعی خاص است. در پاسخ به این تغییرات، افراد به بازسازی هویت‌های تدافعی خود روی می‌آورند و در نتیجه، میان جریان‌های جهانی مبهم و هویت‌های محلی خاص، تعارض‌هایی شکل می‌گیرد. کاستلز همچنین بر ظهور هویت‌های مقاوم، همچون بنیادگرایی مذهبی، ناسیونالیسم، جنبش‌های قومی و کنشگری محیط‌زیستی، به‌عنوان واکنشی به این مرحله جدید از جهانی‌شدن تأکید دارد. در این بستر، او از ظهور جامعه شبکه‌ای در دل مدرنیته فشرده و فرایند جهانی‌شدن سخن می‌گوید. کاستلز از جمله نظریه‌پردازانی است که تلاش زیادی برای تبیین ابعاد پنهان جامعه شبکه‌ای کرده است. او خاستگاه جهان مدرن را در هم‌زمانی سه رخداد مهم تاریخی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و میانه دهه ۱۹۷۰ می‌بیند: (۱) انقلاب فناوری اطلاعات، (۲) بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌های بوروکراتیک، و (۳) ظهور جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی همچون آزادی‌خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و محیط‌زیست‌گرایی. کاستلز بر این باور است که تعامل میان این فرآیندها به خلق ساختار اجتماعی غالبی به‌نام "جامعه شبکه‌ای"، اقتصاد نوینی موسوم به "اقتصاد اطلاعاتی جهانی" و فرهنگی جدید با عنوان "فرهنگ مجازی-واقعی" منجر شده است. منطق بنیادین این ساختارها و نهادها، پایه فعالیت‌ها و نهادهای اجتماعی در جهانی به‌هم‌پیوسته و تفکیک‌ناپذیر را شکل می‌دهد.

در جامعه شبکه‌ای امروز، افراد و جوامع در قالب‌های نوآورانه، هویت‌های جدید و متنوعی کسب می‌کنند که به پیدایش درک‌های تازه‌ای از انسانیت منجر می‌شود. این شبکه به‌طور پیوسته در حال دگرگونی درونی است و سبک‌های زندگی نوینی را در نقاط مختلف جهان پدید می‌آورد. کاستلز تأکید دارد که تصور یک جامعه اطلاعاتی همگن، که تمامی اشکال اجتماعی در آن یکنواخت باشند، نادرست است. او بر استمرار تنوع فرهنگی و تکثر نهادی در جوامع مبتنی بر اطلاعات تأکید می‌کند. از این‌رو، وحدت فرهنگی در ژاپن یا مسیر متمایز اسپانیا در مدرن‌سازی جهانی — که اکنون با سرعت پذیرش فناوری اطلاعات سنجیده می‌شود — همچنان حفظ خواهد شد. کاستلز بر این باور است که کشورهایی مانند چین و برزیل که با سرعت بالایی در حال توسعه‌اند، همچنان هویت‌های متمایز خود را در درون نظام سرمایه‌داری جهانی مبتنی بر اطلاعات و فناوری حفظ خواهند کرد.

مرور ادبیات

شهابی انباران و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «هویت‌های دوگانه در جهان مجازی و واقعی نوجوانان: مطالعه موردی دانش‌آموزان متوسطه استان اردبیل» نشان دادند که نوجوانان در ابعاد مختلفی مانند هویت دینی، خانوادگی، جنسیتی، ملی، قومی و فرهنگی، دارای دوگانگی هویتی در فضای واقعی و فضای مجازی هستند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هویت‌های واقعی نوجوانان به‌مراتب ساختارمندتر، منسجم‌تر و ریشه‌دارتر هستند، درحالی‌که در محیط‌های مجازی، این هویت‌ها سیال، ناپایدار و متنوع ظاهر می‌شوند. این گونه از هویت‌ها را می‌توان در چارچوب نظری کاستلز به‌عنوان هویت‌های بازاندیشانه یا مدرن توصیف کرد. نوجوانان در حالی که در دنیای واقعی تلاش دارند منابع سنتی هویت خود را حفظ کنند، در فضای مجازی خود را نماینده هویت جهانی و شهروند جهانی معرفی می‌کنند (Shahabi Anbaran et al., 2023).

موسوی‌نژاد و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «مدل‌سازی اعتیاد به اینترنت بر اساس سبک‌های هویتی و عملکرد تحصیلی با نقش میانجی افسردگی» از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که ۲۵ درصد از واریانس افسردگی و ۳۲ درصد از واریانس اعتیاد به اینترنت تحت‌تأثیر عملکرد تحصیلی

و سبک‌های هویتی قرار دارد. بر اساس یافته‌ها، سبک‌های هویتی و عملکرد تحصیلی تأثیر منفی و معناداری بر اعتیاد به اینترنت دارند، درحالی‌که افسردگی تأثیری مثبت و معنادار بر این نوع از اعتیاد در بین دانشجویان دارد (Mousavinejad et al., 2021).

رفیعی و عباس‌زاده (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن و فضای مجازی برای هویت ملی ایرانی و راهبردهای مقابله با آن» تأکید کردند که دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌هایی کارآمد، جهت‌گیری هویتی ایرانیان را تقویت کرده و انسجام ملی را ارتقاء دهد. شایان ذکر است که روش تحقیق در این مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده است (Rafi & Abbaszadeh Marzbali, 2019).

معمار و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویت در ایران)» به بررسی تأثیر فضای مجازی بر هویت نسل‌های مختلف پرداختند. نتایج نشان داد که نسل سوم بیش از نسل‌های پیشین با فضای دیجیتال تعامل داشته و به آن وابسته‌اند و در نتیجه، بیشتر در معرض پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار دارند. این فضا موجب بروز بحران‌های هویتی در میان جوانان و نسل‌های نو شده است؛ بحران‌هایی که به‌صورت تناقض‌ها و ناسازگاری‌های فردی نمود پیدا کرده و در نهایت، توازن اجتماعی را دچار اختلال می‌کنند. همچنین، شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب دگرگونی عمیق نهادهای مرتبط با هویت شده و الگوهای معناسازی هویت را به‌طور اساسی تغییر داده‌اند (Memar et al., 2012).

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های ناشی از ناهماهنگی میان هویت مجازی و واقعی در فضای مجازی ایران و تحلیل پیامدهای آن بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی طراحی شده است. برای نیل به این هدف، از روش فراترکیب (Meta-Synthesis) استفاده شده است. فراترکیب روشی جامع و تلفیقی برای ادغام یافته‌های پژوهش‌های پیشین است که به درک عمیق‌تر و شفاف‌سازی مفهومی مسئله مورد بررسی کمک می‌کند.

روش فراترکیب به دلیل توانایی‌اش در ترکیب نظام‌مند و تحلیلی نتایج مطالعات مختلف انتخاب شده است. این روش به‌ویژه برای موضوعات پیچیده و چندبعدی - به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی که داده‌ها متنوع و گاه متناقض‌اند - مناسب است. جامعه آماری پژوهش شامل مقالات علمی-پژوهشی داوری‌شده به زبان فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی مرتبط با هویت مجازی، هویت واقعی و فضای مجازی بوده است. برای سازماندهی و کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شد. همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک‌های فرا تحلیل آماری برای ترکیب نتایج بهره گرفته شد.

یافته‌ها

بر اساس تحلیل و تلفیق مطالعات پیشین، این پژوهش ابعاد مختلف ناهماهنگی میان هویت مجازی و واقعی را بررسی کرده است. یافته‌ها در سه محور اصلی طبقه‌بندی شده‌اند: (۱) تأثیر هویت مجازی بر ساختارهای فردی، (۲) آثار اجتماعی-فرهنگی تناقض هویتی، و (۳) راهبردهای کاهش پیامدهای منفی ناهماهنگی هویتی.

تأثیر هویت مجازی بر ساختارهای فردی

یکی از ویژگی‌های اساسی هویت مجازی، ناشناس بودن است که به کاربران امکان می‌دهد هویت‌های جدیدی را بدون ترس از قضاوت تجربه کنند. این ویژگی می‌تواند اثرات مثبت و منفی به همراه داشته باشد. تورکل (۲۰۱۱، ص. ۱۲۸) بیان می‌کند که ناشناس بودن به افراد اجازه می‌دهد نقش‌هایی را تجربه کنند که در دنیای واقعی برایشان غیرممکن یا محدود است. با این حال، این امر می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس در زندگی واقعی و وابستگی بیشتر به محیط مجازی منجر شود. همچنین انعطاف‌پذیری هویت مجازی به افراد امکان می‌دهد تا در پلتفرم‌های مختلف، هویت‌های گوناگونی بپذیرند. پیرسون (۲۰۰۹) اشاره می‌کند که این انعطاف‌پذیری می‌تواند در کوتاه‌مدت خلاقیت و تجربه‌های نو را افزایش دهد، اما در بلندمدت ممکن است به بحران هویت منجر شود؛ زیرا فرد در تلاش برای هماهنگ‌سازی هویت‌های متعدد مجازی با هویت واقعی خود دچار سردرگمی می‌شود.

خود ایده‌آل و تأثیر آن بر خودپنداره

مطالعات نشان داده‌اند که کاربران اغلب در تلاش‌اند تا در محیط‌های مجازی نسخه‌ای ایده‌آل از خود را ارائه دهند که با هویت واقعی آن‌ها در تضاد است. بر اساس پژوهش شهابی و همکاران (۲۰۲۳)، این ناهماهنگی می‌تواند موجب اضطراب و افسردگی، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان شود که تحت فشار انتظارات اجتماعی و فرهنگی به نمایش نسخه‌هایی غیرواقعی از خود در فضای آنلاین روی می‌آورند (Dworkin et al., 2018).

آثار اجتماعی-فرهنگی تناقض هویتی

ناشناس بودن و امکان جعل هویت در فضاهای مجازی به کاهش اعتماد اجتماعی منجر شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کاربران اغلب در اعتماد به هویت‌های دیگران در فضای آنلاین دچار تردید هستند، زیرا هویت واقعی افراد معمولاً پنهان می‌ماند. این بی‌اعتمادی روابط اجتماعی و حتی تعاملات اقتصادی در فضای دیجیتال را نیز مختل می‌کند. فضای مجازی به‌عنوان ابزاری از جهانی‌شدن، تأثیر عمیقی بر هویت فرهنگی و ملی گذاشته است. کاستلز معتقد است که فضای مجازی می‌تواند هویت ملی را تضعیف کرده و در عوض، هویت جهانی را تقویت کند. در ایران، این پدیده به‌ویژه در میان نسل جوان مشهود است؛ نسلی که بیش از پیش تحت تأثیر فرهنگ جهانی قرار دارد و ارزش‌های سنتی را به چالش می‌کشد (Rafi & Abbaszadeh Marzbali, 2019).

مطالعات نشان داده‌اند که استفاده بیش‌ازحد از فضای مجازی و تضاد میان هویت‌های واقعی و مجازی می‌تواند به تضعیف روابط خانوادگی منجر شود. به گفته دابز (۲۰۱۸)، خانواده‌ها به دلیل تعاملات مجازی کمتر به ارتباطات چهره‌به‌چهره می‌پردازند و این امر به کاهش انسجام خانوادگی می‌انجامد (Dobbs, 2018). یکی از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش اثرات منفی ناهماهنگی هویتی، استفاده از فناوری‌هایی مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی است. بلاک‌چین می‌تواند هویت‌های دیجیتال امن و قابل اعتماد ایجاد کند و از بروز جعل هویت و کلاهبرداری جلوگیری نماید (Zhao & Fan, 2018). همچنین هوش مصنوعی قادر است با تحلیل داده‌های کاربران، رفتارهای غیرعادی را شناسایی کرده و از سوءاستفاده احتمالی پیشگیری کند (Binns, 2018). اجرای برنامه‌های آموزشی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی درباره چالش‌های هویت مجازی نیز می‌تواند در کاهش آثار منفی این پدیده مؤثر باشد. بر اساس یافته‌های دابز (۲۰۱۸)، برنامه‌های آموزشی هدفمند در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی جوانان از مخاطرات دیجیتال و مدیریت بهتر هویت‌های واقعی و مجازی آن‌ها کمک کند (Dobbs, 2018).

تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که تدوین قوانین سخت‌گیرانه برای حفاظت از حریم خصوصی و کنترل فعالیت‌های آنلاین می‌تواند به کاهش تناقض‌های هویتی کمک کند. برای نمونه، اتحادیه اروپا با اجرای مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) توانسته است به‌طور قابل‌توجهی از سوءاستفاده‌های هویتی جلوگیری کند (European Commission, 2018).

چالش ناهماهنگی هویتی

برای تبیین چالش ناهماهنگی هویتی در فضای مجازی، باید به یک نکته اساسی توجه کرد: جوامع در حال گذار اغلب با بحران‌های هویتی تاریخی خود مواجه بوده‌اند؛ مشابه با آنچه اروپا در دوران صنعتی‌شدن تجربه کرد. اما امروزه این جوامع ناگزیر با جهانی‌شدن و فضای مجازی در چارچوب ارتباطات نوین روبه‌رو هستند. این دوره تاریخی جدید، بحران‌های منحصربه‌فرد خود را به همراه دارد. مسئله در کشورهای در حال توسعه پیچیده‌تر می‌شود؛ چرا که این کشورها هم‌زمان با بحران‌های هویتی چندلایه مواجه‌اند که ناشی از هم‌پوشانی دو دوره تاریخی است، بدون آن‌که گذار کامل از هیچ‌یک را تجربه کرده باشند. کاستلز (۲۰۰۱) تأکید می‌کند که سیاست‌های هویتی باید در بستر تاریخی‌شان مورد بررسی قرار گیرند. از جمله عوامل مهم در این زمینه، تاریخ، جغرافیا و همچنین قدرت و نقش فضای مجازی است که به‌عنوان نیروی تقویت‌کننده برای هویت و سایر پدیده‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کند. جهانی‌شدن نیز فرایندی تاریخی و تحول‌آفرین است که باورها، درک‌ها، ایده‌ها و سلیقه‌های ملت‌ها را دگرگون کرده و به هویت‌های فرهنگی نفوذ کرده است. فضای مجازی و جهانی‌شدن به‌صورت مداوم با داده‌ها و روش‌شناسی‌های متنوع، باورها، پارادایم‌ها و حتی نیازها را تغییر می‌دهند (Castells, 2001). بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که «معنا» عنصر بنیادین در شکل‌گیری هویت است و در عصر اطلاعات، این معنا به‌صورت پیوسته و تدریجی در حال دگرگونی است. کاستلز بر اهمیت معنا در این عصر تأکید دارد و بیان می‌کند که تلاش کنشگران اجتماعی برای دستیابی به معناهای منحصربه‌فرد اغلب با مفهوم سنتی «کارکرد» که توسط

نهادهای قدرت تحمیل می‌شود، در تضاد قرار می‌گیرد. هویتی که بر این اساس شکل می‌گیرد، از تعاملات اجتماعی میان افراد، نهادها و سازمان‌ها برمی‌خیزد و به منبع معنا در زندگی کنشگران تبدیل می‌شود. این معنا از طریق فرایندهای فردی‌سازی و ابتکار شخصی ایجاد و شکل می‌گیرد (Castells, 2001).

هویت در محیط‌های مجازی از اساس با هویت در دنیای واقعی متفاوت است؛ زیرا افراد آزادند که تصمیم بگیرند آیا از هویت واقعی خود در فضای آنلاین استفاده کنند یا نه. در فضای مجازی، افراد می‌توانند هویت‌هایی متناسب با خواست و سلیقه خود خلق کرده و به نمایش بگذارند. به عبارت دیگر، هویتی که فرد به دیگران ارائه می‌دهد، مبتنی بر درک شخصی او از خود است. تمایز سه ویژگی اساسی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را برجسته می‌کند: فشرده‌گی زمان و مکان، فقدان حس مکان و از میان رفتن مرزها، و تغییر ماهیت جوامع. او تأکید می‌کند که هر انسان باید در زمان و مکان خاصی جای بگیرد (Praprotnik, 2004).

در فضای مجازی، هویت نقشی محوری در ارتباطات ایفا می‌کند. برخی معتقدند توانایی خلق هویت غیرجسمانی و مستقل، یکی از جنبه‌های جذاب فرهنگ آنلاین است که به افراد اجازه می‌دهد نقش‌ها و روابط جدیدی را تجربه کنند. در مقابل، برخی دیگر باور دارند که این ناشناسی زمینه‌ساز بی‌مسئولیتی و رفتارهای خصمانه می‌شود. واقعیت مجازی تجربه‌های ذهنی نوینی را ممکن می‌سازد که می‌توانند نظم‌های سلطه سنتی را بر هم بزنند. افراد می‌توانند خود و محیط‌شان را در فضاهای رایانه‌محور بازسازی کرده و درک خود از هویت را دگرگون کنند.

در اتاق‌های گفت‌وگوی مجازی، افراد می‌توانند دقیقاً آن‌گونه که مایل‌اند ظاهر شوند و خود را به دیگران معرفی کنند. در جهان دیجیتال امروز، مفاهیم زمان و مکان دگرگون شده‌اند. درهم‌تنیدگی جهان واقعی و مجازی تشخیص این دو از یکدیگر را دشوار ساخته است. فرهنگ‌ها نیز در هم آمیخته‌اند و آن پستی و فرازی گذشته را از دست داده‌اند؛ بنابراین، بروز بحران‌های هویتی در این زمینه امری طبیعی است (Praprotnik, 2004).

بحران‌های ناشی از ناشناس بودن را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: نخست، بحران‌های کلی ناشی از تعامل انسان با فضای مجازی که با عنوان «اضطراب دیجیتال» شناخته می‌شود؛ و دوم، بحران‌هایی که مستقیماً با هویت مجازی مرتبط‌اند. عاملی (۲۰۰۳) اضطراب را به سه مرحله تقسیم می‌کند: اضطراب طبیعی، اضطراب صنعتی، و اضطراب دیجیتال. اضطراب دیجیتال ناشی از هجوم هم‌زمان و گسترده اطلاعات و ارتباطات است که توانایی افراد را در مدیریت تعاملات درونی و بیرونی‌شان مختل کرده و تعادل روانی و اجتماعی آن‌ها را به هم می‌زند. این وضعیت منجر به احساس سردرگمی، انزوا، تعارض درونی و آشفتگی ذهنی می‌شود.

افزون بر این، چالش هویت‌های ساختگی نیز مطرح است؛ زمانی که افراد در فضای مجازی هویت‌هایی را برمی‌گزینند که مطلوب‌تر یا جذاب‌تر به نظر می‌رسند. در چنین مواردی، افراد هویت واقعی خود را کنار می‌گذارند و با هویتی جدید وارد ارتباطات مجازی می‌شوند. این هویت تازه مفاهیم جدیدی را وارد ذهن فرد می‌کند که ممکن است با هویت پیشین او در تعارض باشند و منجر به خستگی، تنش و سردرگمی شوند. این مشکل در مورد افرادی که به‌طور مداوم تغییر هویت می‌دهند یا در فضای مجازی رفتارهایی مغایر با هنجارهای اجتماعی از خود نشان می‌دهند، شدت بیشتری پیدا می‌کند و آن‌ها را به بحران‌های عمیق‌تر هویتی می‌کشانند (Khelghati, 2008).

تجارب سایر کشورها

علاوه بر مسائل یادشده، چالش ناهماهنگی میان هویت مجازی و واقعی در سطح جهانی پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و حقوقی متعددی داشته و واکنش‌های متنوعی را برانگیخته است. تجارب و سیاست‌های کشورهای مختلف در زمینه مدیریت ناهماهنگی هویت مجازی-واقعی می‌تواند به طراحی راهکارهای مناسب کمک کند:

- در کانادا، توسعه سیاست‌های حمایت از حریم خصوصی و امنیت سایبری از جمله اقدامات اصلی برای مقابله با این ناهماهنگی بوده است. این کشور همچنین برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی کاربران نسبت به موضوعات مربوط به حریم خصوصی و امنیت آنلاین اجرا کرده است.
- در استرالیا، روش‌هایی چون تصویب قوانین سخت‌گیرانه حریم خصوصی، محدودسازی دسترسی به اطلاعات شخصی، و توسعه فناوری‌های تأیید هویت و امنیت سایبری به کار گرفته شده‌اند.
- اتحادیه اروپا سیاست‌ها و قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای حفاظت از حریم خصوصی و امنیت آنلاین تدوین و اجرا کرده است. این اتحادیه برای مقابله با ناهماهنگی هویتی، مقررات حریم خصوصی در فضای دیجیتال را تقویت کرده و بر عملکرد کاربران و شرکت‌های فعال در فضای مجازی نظارت دارد.

- چین از روش‌های محدودکننده‌تری برای کنترل فضای مجازی و حفاظت از امنیت آنلاین استفاده می‌کند، از جمله سیاست‌های فیلترینگ و نظارت گسترده بر فعالیت‌های کاربران.
 - آلمان با اجرای قوانین سخت‌گیرانه در زمینه حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی در فضای مجازی، بر توسعه مداوم فناوری‌های تضمین‌کننده امنیت آنلاین تأکید دارد.
 - ژاپن نیز با بهره‌گیری از سیاست‌های حفاظت از حریم خصوصی و امنیت سایبری، به مقابله با ناهماهنگی هویتی پرداخته و به‌ویژه بر توسعه فناوری‌های تأیید هویت و رمزگذاری اطلاعات تمرکز دارد.
- این کشورها با اتخاذ راهبردهای متنوع در زمینه تقابل با ناهماهنگی میان هویت واقعی و مجازی، نمونه‌های ارزشمندی برای طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های مشابه در سایر کشورها ارائه کرده‌اند.

مقایسه تجارب بین‌المللی با وضعیت ایران

کشورهایی مانند استونی با بهره‌گیری از کارت‌های هویت دیجیتال، موفق به کاهش جعل هویت شده‌اند. ایران نیز می‌تواند با توسعه سامانه‌های مشابه، به تقویت هویت دیجیتال کاربران کمک کند. در کانادا و استرالیا، اجرای برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء سواد دیجیتال نتایج مؤثری به همراه داشته است؛ این رویکرد می‌تواند در ایران نیز با تمرکز بر ترویج شهروندی دیجیتال مسئولانه به کار گرفته شود. همچنین استفاده از امضای دیجیتال در تعاملات مجازی می‌تواند به افزایش اعتبار و اعتماد، به‌ویژه در تبادلات تجاری و اداری کمک کند (Binns, 2018).

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تناقض هویتی در فضای مجازی به دلیل ویژگی‌هایی نظیر ناشناس بودن و انعطاف‌پذیری، چالش‌های قابل توجهی را در سطوح فردی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرده است. با این حال، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ارتقاء آگاهی عمومی، و تدوین سیاست‌های حمایتی می‌تواند به کاهش این چالش‌ها و مدیریت بهتر روابط هویتی در فضای مجازی کمک کند. آموزش مهارت‌های دیجیتال به کودکان و نوجوانان می‌تواند آن‌ها را در شناسایی مخاطرات آنلاین و مدیریت صحیح هویت مجازی توانمند سازد. برنامه‌هایی نظیر «ایمنی آنلاین برای همه» که در استرالیا و کانادا اجرا شده‌اند، می‌توانند الگوهای مؤثری برای اجرا در ایران باشند (Dobbs, 2018).

برگزاری کمپین‌های عمومی پیرامون پیامدهای منفی تناقض هویتی نیز می‌تواند آگاهی کاربران را افزایش دهد. این کمپین‌ها باید شامل محتوای آموزشی درباره مزایا و معایب ناشناس بودن آنلاین، استفاده ایمن از اینترنت، و محافظت از حریم خصوصی باشند. خانواده‌ها نیز به عنوان نهادهای اولیه اجتماعی باید در آموزش کودکان و نوجوانان درباره مخاطرات فضای مجازی نقش فعال ایفا کنند. ارائه کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای والدین می‌تواند به مدیریت بهتر فعالیت‌های آنلاین فرزندانشان کمک کند.

قوانین و سیاست‌های حمایتی می‌توانند نقش مهمی در مدیریت هویت مجازی و کاهش تناقض هویتی ایفا کنند. ایران می‌تواند با الگوبرساری از قوانین اتحادیه اروپا، به تدوین مقررات جامع در حوزه حفاظت از حریم خصوصی و احراز هویت دیجیتال بپردازد. مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) نمونه‌ای موفق در این زمینه است که به حفظ حریم خصوصی کاربران و کاهش جعل هویت کمک کرده است. اجرای سیاست‌هایی برای نظارت بر فعالیت‌های مجازی نیز می‌تواند در کاهش سوءاستفاده‌های هویتی مؤثر باشد، مشروط بر آنکه این نظارت، حقوق حریم خصوصی کاربران را محترم بشمارد. تقویت قوانین امنیت سایبری، به‌ویژه در زمینه مقابله با کلاهبرداری و جعل هویت، می‌تواند به کاهش جرائم در فضای مجازی کمک کند. این قوانین باید مجازات‌های جدی برای افرادی که از هویت‌های جعلی برای مقاصد غیرقانونی استفاده می‌کنند، در نظر بگیرد (Held et al., 2002).

ساخت زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی

برای مقابله با پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ناشی از تناقض هویتی، باید زیرساخت‌هایی برای تقویت هویت ملی و اجتماعی کاربران ایجاد شود. تولید محتوای فرهنگی و ملی در فضای مجازی می‌تواند به تثبیت هویت فرهنگی کاربران کمک کند. این محتوا می‌تواند شامل مستندها، فیلم‌ها و برنامه‌های آموزشی باشد که به ترویج ارزش‌های فرهنگی و

اجتماعی می‌پردازند. ایجاد گروه‌ها و انجمن‌های حمایتی در فضای مجازی نیز می‌تواند به کاربران در مدیریت بهتر هویت‌های واقعی و مجازی کمک کرده و فضایی امن برای تعامل اجتماعی و تبادل تجربه فراهم سازد.

توسعه شبکه‌های اجتماعی بومی مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های ایرانی می‌تواند آثار منفی تناقض هویتی را کاهش دهد. این شبکه‌ها باید محیط‌هایی برای تقویت هویت ملی و فرهنگی فراهم آورند. همچنین، کاربران باید به مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال رفتار خود در فضای مجازی تشویق شوند. ارائه مشوق‌هایی برای کاربرانی که از هویت واقعی خود استفاده می‌کنند، می‌تواند به کاهش تناقض‌های هویتی کمک کند. برای مثال، برخی پلتفرم‌ها امکانات بیشتری را برای کاربران تأییدشده (دارای هویت واقعی مشخص) فراهم می‌کنند. آموزش رفتار مسئولانه در فضای مجازی نیز می‌تواند از بروز رفتارهای انحرافی کاسته و تعاملات مثبت را افزایش دهد.

سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های مرتبط با هویت واقعی و مجازی می‌تواند به شناسایی راهبردهای نوین برای مدیریت این پدیده کمک کند. ترکیب دانش جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فناوری اطلاعات می‌تواند راه‌حل‌های جامع‌تری برای مدیریت هویت مجازی ارائه دهد. همچنین توسعه ابزارهایی برای تحلیل رفتار کاربران در فضای مجازی می‌تواند به شناسایی الگوهای تناقض هویتی و طراحی واکنش‌های متناسب کمک کند.

راهبردهای مقابله با پیامدهای منفی ناهماهنگی هویتی باید چندبعدی و متنوع باشند. بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، تدوین سیاست‌های حمایتی، تقویت آموزش و آگاهی عمومی، و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به مدیریت بهتر این چالش کمک کند. با اجرای این راهبردها، می‌توان از شدت آثار منفی تناقض هویتی کاست و تعاملات مثبت‌تری را در فضای مجازی شکل داد.

هویت مجازی به‌عنوان بازنمایی دیجیتال افراد، غالباً با هویت واقعی آنان مطابقت ندارد. ناشناس‌بودن، انعطاف‌پذیری و چندگانگی در فضای مجازی به کاربران این امکان را می‌دهد که هویت‌هایی آرمانی یا غیرواقعی از خود ارائه دهند. این مسئله به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان که در معرض فشارهای اجتماعی و فرهنگی هستند، نمود بیشتری دارد. کاهش اعتماد به نفس: شکاف میان خود واقعی و خود آرمانی منجر به اضطراب و افسردگی می‌شود. افراد به‌جای مواجهه با واقعیت، ممکن است به پناه بردن به فضای مجازی روی آورند. این پدیده نشان می‌دهد که فضای مجازی ابزاری دوسویه است؛ از یک‌سو امکان تجربه هویت‌های خلاقانه و نو را فراهم می‌آورد، و از سوی دیگر، به‌دلیل گستردگی و انعطاف، ممکن است به تشدید بحران‌های هویتی منجر شود. از این‌رو، طراحی برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء سواد دیجیتال و خودآگاهی کاربران ضروری است.

ناشناس بودن و امکان کلاهبرداری در فضای مجازی موجب کاهش اعتماد اجتماعی شده است. کاربران نمی‌توانند به‌طور کامل به هویت‌های دیگران در اینترنت اعتماد کنند، چرا که این هویت‌ها اغلب واقعی نیستند. در نتیجه، کاربران از تعاملات واقعی نیز فاصله می‌گیرند. امکان سوءاستفاده و جعل هویت مجازی، منجر به افزایش رفتارهای غیراخلاقی و ضداجتماعی شده است. این مسئله لزوم شفافیت و احراز هویت دیجیتال را برجسته می‌سازد. استفاده از فناوری‌هایی مانند بلاک‌چین برای ذخیره و مدیریت هویت‌های دیجیتال می‌تواند به کاهش جعل هویت و افزایش اعتماد در فضای مجازی کمک کند. به‌همین ترتیب، سیاست‌گذاری مناسب برای تنظیم رفتار کاربران در فضای مجازی، از جمله قوانین سختگیرانه علیه جرایم سایبری، می‌تواند انسجام اجتماعی را تقویت کند.

جهانی‌شدن و دسترسی گسترده به فضای مجازی، هویت‌های محلی و ملی را با چالش روبه‌رو ساخته است. کاربران، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، تحت تأثیر ارزش‌ها و فرهنگ‌های جهانی قرار می‌گیرند که منجر به سردرگمی هویتی می‌شود. کاربران ممکن است سنت‌های بومی را کم‌ارزش دانسته و فرهنگ‌های جهانی را تقلید کنند. همچنین تفاوت‌های نسلی در استفاده از فضای مجازی می‌تواند موجب کاهش درک متقابل و افزایش شکاف فرهنگی شود. برای مقابله با این چالش، باید هویت فرهنگی را در فضای مجازی تقویت کرد.

تولید محتوای بومی و ترویج ارزش‌های فرهنگی از طریق رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به مقابله با این چالش کمک کند. همچنین ایجاد شبکه‌های اجتماعی محلی که بر نیازها و ارزش‌های کاربران ایرانی تمرکز داشته باشند، می‌تواند آثار منفی جهانی‌شدن را کاهش دهد.

تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که مدیریت هویت دیجیتال نیازمند ترکیبی از فناوری، قانون‌گذاری و آموزش است. اتحادیه اروپا از طریق مقررات GDPR توانسته است حفاظت از حریم خصوصی کاربران را تضمین کند (European Commission, 2018). تدوین قوانینی مشابه با GDPR می‌تواند اعتماد کاربران ایرانی به فضای مجازی را افزایش دهد.

آموزش کاربران درخصوص مخاطرات و فرصت‌های فضای مجازی یکی از راهبردهای کلیدی برای کاهش تناقض هویتی است. مدارس و دانشگاه‌ها باید برنامه‌هایی برای تقویت سواد دیجیتال دانش‌آموزان و دانشجویان ارائه دهند. کمپین‌های عمومی در زمینه حریم خصوصی و حقوق دیجیتال نیز می‌تواند به ارتقاء آگاهی کاربران کمک کند. آموزش خانواده‌ها: خانواده‌ها باید نقش فعالی در مدیریت نحوه استفاده فرزندان از فضای مجازی ایفا کنند. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای والدین می‌تواند به نظارت مؤثرتر بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان یاری رساند. سیاست‌گذاری جامع و نظارت هوشمندانه بر فعالیت‌های فضای مجازی می‌تواند به مدیریت مؤثر هویت مجازی منجر شود. ایران نیازمند قانون جامع برای حفاظت از داده‌ها و حقوق کاربران است. همچنین، وجود نهادهای مستقل برای رصد و پیگیری تخلفات در فضای مجازی ضروری است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که تناقض هویتی در فضای مجازی، به‌واسطه ناشناس‌بودن و انعطاف‌پذیری، چالش‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای را ایجاد کرده است. برای مقابله با این چالش‌ها، ترکیبی از فناوری‌های نوین، سیاست‌گذاری جامع، و برنامه‌های آموزشی لازم است. تجربیات بین‌المللی نظیر استونی، اتحادیه اروپا و چین می‌تواند الگوهایی ارزشمند برای ایران فراهم کند. با بهره‌گیری از این راهبردها می‌توان از شدت آثار منفی ناهماهنگی هویتی کاست و تعاملات دیجیتال را بهبود بخشید.

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه بازاندیشی آنتونی گیدنز، هویت مدرن از طریق فرایندی مداوم از بازنگری و بازتعریف شکل می‌گیرد. در فضای مجازی، این بازاندیشی به‌واسطه ویژگی‌هایی چون ناشناس‌بودن، انعطاف‌پذیری و چندگانگی، شدت می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاربران اغلب نسخه‌ای آرمانی یا جایگزین از خود را در فضای مجازی به نمایش می‌گذارند، که می‌تواند منجر به شکل‌گیری تناقض میان هویت واقعی و هویت مجازی شود.

فضای مجازی باید به‌عنوان بستری برای بازاندیشی مثبت و تقویت هویت واقعی مورد توجه قرار گیرد. سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی باید بر کاهش فاصله میان هویت واقعی و مجازی تمرکز کنند.

هویت اجتماعی از طریق تعلقات گروهی و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که کاربران در فضای مجازی اغلب به گروه‌هایی با ارزش‌ها و باورهای متفاوت از محیط واقعی خود می‌پیوندند. برای مدیریت بهتر هویت اجتماعی در فضای مجازی، توسعه سامانه‌های احراز هویت دیجیتال ضروری است تا شفافیت و اعتماد در تعاملات اجتماعی افزایش یابد. همچنین، سیاست‌گذاری‌ها باید میان آزادی در بازنمایی هویت و تقویت انسجام اجتماعی توازن برقرار کنند.

مانوئل کاستلز هویت را فرایندی اجتماعی و فرهنگی می‌داند که در چارچوب قدرت و فرهنگ شکل می‌گیرد. در کشورهایی در حال گذار مانند ایران، فضای مجازی می‌تواند موجب شکل‌گیری هویت‌هایی شود که گاه با هویت‌های ملی و فرهنگی در تضاد قرار می‌گیرند. در این زمینه، تقویت محتوای فرهنگی بومی ضرورتی اساسی برای کاهش اثرات منفی فضای مجازی بر هویت فرهنگی است. ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی که بر ارزش‌ها و نیازهای فرهنگی کاربران ایرانی تمرکز دارند نیز بسیار حیاتی است. یافته‌ها حاکی از آن است که کاربران در فضای مجازی اغلب هویت‌هایی متفاوت از هویت واقعی خود بازنمایی می‌کنند. این پدیده، در چارچوب نظری گیدنز و کاستلز، منجر به تعارض میان خودپنداره واقعی و تصویر آرمانی از خود می‌شود.

نظریه هویت اجتماعی تاجفل نیز نشان می‌دهد که تعلقات گروهی و تعاملات اجتماعی تأثیر بسزایی بر هویت اجتماعی دارند. در فضای مجازی، ناشناس‌بودن و امکان فریب موجب کاهش اعتماد اجتماعی و انسجام گروهی می‌شود. کاستلز تأکید می‌کند که فضای مجازی می‌تواند هویت‌های جهانی را تقویت کرده و هویت‌های محلی را تضعیف کند. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که کاربران ایرانی اغلب هویت‌های بومی خود را کنار گذاشته و به‌سوی ارزش‌های جهانی گرایش پیدا می‌کنند.

راهبردهای پیشنهادی برای مدیریت چالش ناهماهنگی هویتی عبارتند از:



- تقویت خودآگاهی کاربران: اجرای برنامه‌های آموزشی برای کمک به کاربران در شناخت و تقویت هویت واقعی خود.
 - کاهش فاصله میان خود واقعی و خود آرمانی: طراحی سیاست‌هایی با هدف کاهش شکاف میان هویت واقعی و هویت مجازی.
 - توسعه سامانه‌های احراز هویت دیجیتال: بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند بلاک‌چین برای کاهش ناشناس‌بودن و افزایش شفافیت در فضای مجازی.
 - افزایش تعاملات واقعی: اجرای برنامه‌هایی برای ترویج تعاملات چهره‌به‌چهره و کاهش وابستگی به ارتباطات مجازی.
 - ترویج محتوای بومی: تولید محتوای دیجیتال مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ ملی به‌منظور تقویت هویت فرهنگی.
 - ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی: توسعه پلتفرم‌هایی متناسب با نیازها و ارزش‌های کاربران ایرانی برای مقابله با آثار منفی جهانی‌شدن.
- این مطالعه نشان می‌دهد که تناقض هویتی در فضای مجازی – به‌دلیل ناشناس بودن، انعطاف‌پذیری و چندگانگی – پیامدهای گسترده‌ای در سطوح فردی، اجتماعی و فرهنگی دارد. بر اساس چارچوب‌های نظری گیدنز، تاجفل و کاستلز، این پیامدها می‌توانند به بحران‌های هویتی، کاهش اعتماد اجتماعی، و تضعیف هویت فرهنگی منجر شوند. با این حال، راهبردهایی مانند بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته (نظیر بلاک‌چین و هوش مصنوعی)، تدوین سیاست‌های جامع همانند GDPR، و تقویت آموزش عمومی می‌توانند به مدیریت مؤثرتر این چالش‌ها کمک کنند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary



In the rapidly evolving digital age, the proliferation of cyberspace and online social networks has significantly transformed how individuals perceive, construct, and represent their identities. This transformation is especially prominent in transitional societies such as Iran, where cultural, political, and technological shifts intersect. The emergence of virtual platforms has created a multidimensional space in which users, often driven by the affordances of anonymity, flexibility, and multiplicity, can present idealized or alternative versions of themselves. These virtual identities may align with or diverge from real-world self-concepts, leading to profound psychological and social implications. Theoretical insights from sociologists such as Giddens, who posits identity formation as a reflexive project continually redefined in response to modern conditions, are crucial for understanding the dynamics of identity construction in virtual environments. Giddens' theory of reflexivity highlights the role of ongoing self-monitoring in shaping identity, which is intensified in cyberspace due to the perpetual visibility and performativity inherent in online interactions (Giddens, 1991). Additionally, the work of Hall, who sees identity as a product of both continuity and rupture, complements this perspective by emphasizing the fluidity and fragmentation of self in the face of globalization and technological innovation (Hall, 1987). In digital settings, users are empowered to negotiate multiple selves, often situated at the intersection of personal narratives and sociocultural discourses, underscoring the importance of considering both structural and agentic forces in identity formation.

From a sociological perspective, identity is typically bifurcated into personal and social dimensions, each shaped by distinct yet interrelated processes. Personal identity is anchored in the individual's unique life story, values, and goals, while social identity is derived from group affiliations and social roles. Tajfel's social identity theory elucidates how individuals derive a sense of self from their membership in social groups, which offers a framework for understanding how users align with virtual communities that may differ from their real-life social circles (Tajfel & Turner, 1979). This alignment can generate tensions when group norms and cultural values in online contexts conflict with offline expectations, thereby affecting users' sense of belonging and psychological well-being. Moreover, Jenkins expands upon this theory by distinguishing between how people define themselves and how they are categorized by others in social contexts (Jenkins, 2004). These interactions become increasingly complex in digital arenas where identity markers such as ethnicity, gender, and nationality are often hidden, modified, or selectively disclosed. The malleability of virtual identity allows for experimentation and role-playing, but it can also lead to instability and detachment from one's core self (Giddens, 2007). In transitional societies like Iran, where traditional and modern values often coexist uneasily, the digital presentation of self is further complicated by sociopolitical pressures, cultural taboos, and varying degrees of digital literacy.

Virtual identity is not merely a passive reflection of the self but an active construction shaped by the architecture of digital platforms and mediated through user interactions. Sherry Turkle's early and recent work on virtual identity explores how anonymity and disembodiment enable individuals to escape real-world constraints and explore aspects of self that are otherwise suppressed (Turkle, 1995). This can be liberating, particularly for marginalized individuals or those navigating restrictive sociocultural environments. However, it also introduces the risk of developing fragmented or artificial personas that may erode real-life social skills and psychological resilience (Turkle, 2011). The phenomenon of presenting an "ideal self" in digital environments, as noted by researchers, is especially prevalent among adolescents and young adults who are still in the formative stages of identity development (Dworkin et al., 2018). Such curated portrayals often stem from internalized social expectations and digital peer comparison, resulting in anxiety, self-alienation, and identity confusion. Furthermore, studies show that digital environments facilitate multiple identities across platforms—such as a professional persona on LinkedIn and a playful or rebellious one in gaming communities—which can enrich self-expression but also generate inner conflict when these identities

are irreconcilable (Pempek et al., 2009). The combination of these elements—anonymity, flexibility, and multiplicity—creates a fertile ground for both identity experimentation and crisis.

The influence of cyberspace extends beyond individual identity into the realm of cultural and national consciousness. Manuel Castells conceptualizes identity as a relational construct shaped within networks of power and communication, asserting that globalization and digital flows reshape cultural identities by exposing users to transnational ideologies and aesthetics (Castells, 2001). This exposure can erode national identity, particularly in societies undergoing rapid transformation. In Iran, for example, digital youth are increasingly drawn to globalized values, challenging traditional structures of authority and social cohesion (Rafi & Abbaszadeh Marzbali, 2019). Castells warns of the risk of cultural disintegration when local identities are not supported by institutional and communicative reinforcement. In this context, indigenous cultural production becomes vital for preserving collective memory and identity. Scholars argue that producing localized content—such as documentaries, narratives, and educational programs aligned with national values—can strengthen cultural resilience and reduce dependency on imported digital ideologies. Additionally, the development of domestic social networks tailored to local norms and languages may serve as counterbalances to the homogenizing effects of global platforms. Without such interventions, users may gradually abandon their cultural roots in favor of a cosmopolitan yet shallow digital persona, intensifying identity contradiction.

The psychological consequences of identity contradiction are particularly salient in the digital age. Researchers categorize the psychological fallout into phenomena such as digital anxiety, confusion, and emotional dissonance. Ameli proposes a tripartite model of anxiety that includes natural, industrial, and digital anxiety, the latter of which arises from the overstimulation of information and interaction in cyberspace. This form of anxiety disrupts cognitive processing and emotional regulation, especially when users are inundated with conflicting self-representations and social expectations. Khelghati expands on this by highlighting the emergence of “fabricated identities,” wherein users construct personas to gain social validation, only to experience emotional exhaustion and identity fatigue as they struggle to maintain them (Khelghati, 2008). The dissonance between real and virtual identities can lead to a decline in self-confidence, withdrawal from face-to-face interactions, and susceptibility to online manipulation or radicalization. In more severe cases, it fosters long-term detachment from reality and destabilizes users’ sense of self. Moreover, anonymity and the potential for deception contribute to a decline in trust, both in online and offline interactions. As users become skeptical of others’ identities, social cohesion and civic engagement suffer. This erosion of trust also has broader implications for democratic participation, economic exchange, and intergenerational dialogue.

Addressing the challenges posed by identity contradiction in cyberspace requires a multidimensional and integrative strategy encompassing policy, technology, and education. International experiences offer valuable models for potential implementation. For instance, Estonia has developed robust digital ID systems to authenticate online identities and minimize fraud, while Canada and Australia have invested in digital literacy programs that emphasize responsible citizenship and privacy awareness (Dobbs, 2018). The European Union's GDPR framework sets a precedent for data protection laws that balance user autonomy with institutional accountability (European Commission, 2018). In contrast, countries like China and Germany combine regulatory oversight with technological innovation to monitor and protect digital identities. These approaches underscore the importance of developing comprehensive legal structures, public awareness campaigns, and localized digital infrastructure. Iran could adopt similar policies by establishing nationwide identity verification platforms, supporting content aligned with cultural

values, and offering educational workshops for users and families alike. Technologies such as blockchain and artificial intelligence could also be leveraged to increase transparency and reduce misuse (Binns, 2018; Zhao & Fan, 2018). Ultimately, fostering digital environments that promote authenticity, accountability, and cultural inclusion is essential for mitigating the risks of identity contradiction and enhancing user well-being.

In conclusion, the study of virtual and real identity mismatch in the Iranian context reveals that cyberspace has introduced both opportunities and risks for individual and collective identity formation. While digital platforms enable creative self-expression and broaden social horizons, they also pose significant challenges when real-world identity structures are destabilized. By integrating theoretical insights from Giddens, Tajfel, and Castells with practical strategies drawn from international experiences, it becomes possible to formulate a framework for managing identity in the digital age. Strengthening self-awareness, closing the gap between ideal and actual selves, and promoting cultural authenticity are critical components of this endeavor. Through multidimensional interventions involving technology, education, and policy reform, the negative consequences of identity contradiction in cyberspace can be alleviated, fostering a healthier and more cohesive digital society.

References

- Alharbi, A., Dong, H., Yi, X., & Khalil, I. (2021). Social Media Identity Deception Detection: A Survey. *Acm Computing Surveys*, 54(3), 1-35. <https://doi.org/10.1145/3446372>
- Binns, R. (2018). Artificial Intelligence and Privacy. *Journal of Ethical Technology*, 109-115.
- Castells, M. (2001). *The Rise of the Network Society Translated by Aliqian and Khakbaz*. Tarh-e-No Publishing. https://books.google.com/books/about/The_Rise_of_The_Network_Society.html?id=hngg4aFtJVcC
- Castells, M. (2010). *The Power of Identity*. Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781444318234>
- Dobbs, S. (2018). *Connected: Social Media Use and Quality Family Time*. California State University. <https://scholarworks.calstate.edu/concern/theses/tx31qm79n>
- Dworkin, J., Rudi, J. H., & Hessel, H. (2018). The state of family research and social media. *Journal of Family Theory & Review*, 10(4), 796-813. <https://doi.org/10.1111/jftr.12295>
- European Commission. (2018). *General Data Protection Regulation (GDPR)*. European Union. <https://gdpr-info.eu/>
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Polity Press. https://books.google.com/books?id=Jujn_YrD6DsC&source=gbs_navlinks_s
- Giddens, A. (2005). *The Consequences of Modernity Translated by Mohsen Salasi*. Nashr Markaz. https://books.google.com/books/about/The_Consequences_of_Modernity.html?id=C46N9wtBI0gC
- Giddens, A. (2007). *Sociology Translated by Hassan Chavoshian*. Ney Publishing. <https://books.google.com/books/about/Sociology.html?id=vKifQgAACAAJ>
- Hall, S. (1987). *Minimal Selves In Identity: The Real Me (ICA Document 6)*. Institute for Contemporary Arts.
- Held, D., McGrew, A., Goldblatt, D., & Perraton, J. (2002). *Globalization and Global Transformations Translated by Morad Ali Sedoughi*. Center for Strategic Research of the Presidential Office. https://books.google.com/books/about/Global_Transformations.html?id=7Et0QgAACAAJ
- Jenkins, R. (2004). *Social Identity*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203463352>
- Katz, J. E., & Rice, R. E. (2002). *Social Consequences of Internet Use: Access, Involvement, and Interaction*. MIT Press. <https://doi.org/10.7551/mitpress/6292.001.0001>
- Khelghati, M. (2008). Crises of Virtual Identities in the Anonymity of Chat Rooms. Crisis Management Course, Faculty of Social Sciences, University of Tehran,
- Memar, S., Adlipour, S., & Khaksar, F. (2012). Virtual Social Networks and Identity Crisis (With Emphasis on Iran's Identity Crisis). *Social Studies and Research in Iran*, 1(4), 155-176. https://jisr.ut.ac.ir/article_36574.html?lang=en
- Mousavinejad, M., Zarean, M., & Kaboli, M. (2021). Modeling Internet Addiction Based on Identity Styles and Academic Performance: The Mediating Role of Depression. *Social Psychology Research*, 11(44), 73-92. https://www.socialpsychology.ir/article_145803.html?lang=en
- Pempek, T., Yermolayeva, Y. A., & Calvert, S. L. (2009). College students' social networking experiences on Facebook. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30, 227-238. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2008.12.010>
- Praprotnik, T. (2004). How to Understand Identity in Anonymous Communication? www.hsd.hr/revija/pdf/1-2-2004/01-praprotnik.pdf
- Rafi, H., & Abbaszadeh Marzbali, M. (2019). Challenges of Globalization and Virtual Space for Iranian National Identity. *Strategic Studies Quarterly*, 11(2), 85-100.



- Shahabi Anbaran, B., Jafari, A., Hashemi, S., & Soltanifar, M. (2023). Dual Identities in the Virtual-Real Space of Adolescents (Case Study: High School Students in Ardabil Province). *Cultural Communication Studies Quarterly*, 24(61), 33-64. https://www.jccs.ir/article_165084.html?lang=en
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). *An Integrative Theory of Intergroup Conflict* In W. G. Austin and S. Worchel (Eds.), *The Social Psychology of Intergroup Relations*. Brooks/Cole.
- Turkle, S. (1995). *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*. Simon & Schuster. https://books.google.com/books/about/Life_on_the_Screen.html?id=qMjaAAAAMAAJ
- Turkle, S. (2011). *Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other*. Basic Books. <https://psycnet.apa.org/record/2011-02278-000>
- Zhao, J., & Fan, X. (2018). Blockchain-based digital identity: Current developments and challenges. *Journal of Blockchain Research*, 4(2), 85-95.